

خلاصه طرح پژوهشی:

محاسبه کسب و کار اشتغال و نسبت کاربری صنایع

کارخانه‌های ایران

پژوهشگر: دکتر بیژن باصری (عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران)
پیشنهاددهنده: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی

«قسمت دوم»

از نظر مطلق ارقام کمی بوده است). تنها بخشی که بهره‌وری نیروی کار در آن دارای رشد منفی بوده، بخش نساجی و صنایع چاپ و انتشار است. بهره‌وری نیروی کار در صنایع نساجی ایران در طی ۵ سال ۱۳۶۵-۷۰، ۷۳/۳- رشد منفی داشته است. بخش صنعت چاپ و انتشار نیز دارای رشدی معادل ۸۳/۳ درصد بوده است.

متوسط رشد بهره‌وری نیروی کار در کل اقتصاد کشور دارای رشدی معادل ۲ درصد است و چنانچه متوسط نرخ تورم در

کار در صنایع کارخانه‌های دارای تفاوت‌های اساسی است. صنایع مواد غذایی و آشامیدنی با ۳۰/۸ میلیون ریال، صنایع تولید فلزات اساسی با ۲۲/۱ و صنایع شیمیایی و نفت با ۱۵/۹ به ترتیب بالاترین بهره‌وری نیروی کار را دارند.

از نظر رشد بهره‌وری نیروی کار در اقتصاد ایران، بخش کشاورزی در دوره ۱۳۶۵-۷۰ دارای ۲۵۴/۲ درصد، و صنایع کانی غیرفلزی با ۱/۷۵ درصد رشد بالاترین ارقام رشد بهره‌وری نیروی کار را دارا بوده‌اند. (ارقام سال ۱۳۶۵ این بخشها

وضعیت بهره‌وری صنایع کارخانه‌های در سال ۱۳۷۰

در بین بخشهای اقتصادی بالاترین بهره‌وری مربوط به بخش آب، برق و گاز با رقم ۱۰۶ میلیون ریال و کمترین بهره‌وری مربوط به صنایع چوب و محصولات چوبی با ۲/۹ میلیون ریال است. متوسط بهره‌وری نیروی کار در بخشهای اقتصادی در سال ۱۳۷۰، ۱۸/۷ میلیون ریال است که از نظر رشد نسبت به سال ۱۳۶۵ در طی دوره دارای رشدی معادل ۱۳/۳ درصد بوده است. بهره‌وری نیروی

دوره ۵ ساله ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۰ را در نظر بگیریم، خواهیم دید که متوسط رشد بهره‌وری در صنایع ایران سالانه ۳۲/۴ درصد و متوسط نرخ رشد تورم براساس شاخصهای کل ۱۶/۷ درصد بوده است. بدون شک افزایش بهره‌وری در دوره ۱۳۶۵-۷۰ تا حدود زیادی در گرو اتمام جنگ تحمیلی ۸ ساله و استفاده از ظرفیت‌های راکد تولیدی است که باعث شد اقتصاد کشور به نرخهای رشد قابل توجهی دسترسی پیدا کند. رشد قابل توجه اقتصاد ایران همراه با گسترش

سرمایه‌گذاریها و تزریق منابع ارزی به اقتصاد کشور منجر به افزایش نرخ رشد تولید گردید و افزایش نرخ رشد بر بهره‌وری متوسط نیروی کار تأثیر گذاشته است.

جدول (۳) بهره‌وری نهایی نیروی کار در دوره ۱۳۶۵-۷۰ را نشان می‌دهد. بهره‌وری نهایی از نسبت تغییرات تولید به تغییرات نیروی کار در دوره پنج ساله محاسبه شده است. ارقام برآورد شده در مورد بهره‌وری نهایی، تصویری کاملاً متناوب از وضعیت بهره‌وری نیروی کار را

نشان می‌دهد. در بخش کشاورزی به ازای هر نفر شاغل، تولید به اندازه ۳۸۶۴ ریال افزایش یافته است به این معنا که بهره‌وری نهایی نیروی کار در بخش کشاورزی پایین است. در بین صنایع که عمدتاً مورد تأکید مطالعه حاضر است در ازای استخدام هر نفر شاغل در بخش چاپ و انتشار میزان تولید کاهش را نشان می‌دهد. به این معنا که با افزایش و به کارگیری نیروی کار ارزش تولیدات این بخش کاهش یافته است.

جدول (۳) بهره‌وری نهایی نیروی کار در بخشهای مختلف اقتصادی

نام بخشها	تولید ۱۳۷۰	شاغلین ۱۳۷۰	تولید ۱۳۶۵	شاغلین ۱۳۶۵	بهره‌وری نهایی نیروی کار
۱. کشاورزی	۱۱۳۳۸۳۳۹	۳۳۳۹۲۹۳	۳۳۸۴۲۹۶	۳۳۱۸۱۷۲	۳۸۶۴
۲. استخراج معادن، نفت و گاز	۴۱۳۸۳۱۷	۱۰۵۰۵۸	۶۰۲۱۶۸	۲۵۲۲۲	۱۹۷۴۹
۳. صنایع غذایی	۷۶۹۱۰۰۴	۲۴۹۵۳۳	۳۱۶۰۲۵۵	۱۹۱۶۱۰	۱۲۷۸۴
۴. صنایع نساجی	۴۶۸۶۰۹۲	۲۴۹۵۳۳	۱۰۸۹۲۷	۶۰۲۳۹۱	۵۰۳۵۶
۵. صنایع چوب	۴۰۱۸۹۰	۸۳۳۸۸۰	۱۴۱۸۳۵	۹۰۴۰۲	۱۷۹۰۴۶
۶. صنایع کاغذ و چاپ و انتشار	۳۹۹۸۸۶	۱۳۶۹۶۴	۱۳۳۱۴۲۱	۲۱۷۳۹	۱۱۵۲۹
۷. صنایع شیمیایی و نفت	۱۷۲۰۵۹۰	۳۳۶۴۲	۵۸۴۴۴۱	۶۳۲۳۶	۳۸۱۴۶
۸. صنایع کانی غیرفلزی	۱۲۲۲۲۸	۱۰۷۵۷۶	۸۰۷۴۶	۱۵۷۶۴۲	۲۰۸۱۱
۹. صنایع تولید فلزات اساسی	۲۰۸۸۰۲۲	۱۸۱۴۰۱	۴۲۱۲۳۷	۸۷۹۵۹	۳۷۸۶
۱۰. صنایع تولید ماشین‌آلات	۱۶۶۴۶۶۶	۱۴۲۲۷۰	۲۱۶۱۰۵	۲۷۸۷۰۵	۱۱۵۷۸۵
۱۱. صنایع متفرقه	۲۲۶۴۸۹	۴۴۶۴۲۶	۷۳۸۶۸۶	۱۵۲۷۳	۳۹۵۴
۱۲. آب، برق، گاز	۱۰۹۱۳۳۴	۲۱۴۲۶	۳۵۳۳۳۳	۹۴۱۷۴	۵۵۰۴۳
۱۳. ساختمان	۷۵۳۳۵۶۳	۱۳۳۷۹۰	۲۴۶۳۳۵۶	۱۲۴۸۶۸۶	۳۶۴۸۵
۱۴. بازرگانی	۹۷۱۰۴۷۷	۱۳۳۳۰۳۲	۲۱۶۶۶۹۸	۹۰۵۸۲۳	۵۱۴۴۱
۱۵. حمل و نقل و ارتباطات	۵۱۴۶۴۵۶	۱۲۹۳۸۸۰	۱۷۴۳۶۰۲	۶۵۲۳۳۴	۴۲۳۶۲
۱۶. خدمات مالی، بیمه و بانک	۷۵۵۸۹۱۳	۷۹۶۳۸۴	۲۷۸۱۸۱۶	۱۱۸۲۰۶	۱۷۸۳۹
۱۷. خدمات عمومی	۱۶۲۲۶۷۳۶	۲۰۳۳۲۳	۳۸۶۳۳۹۰	۳۱۵۵۱۲۸	۴۲۱۰۹

البته افزایش و کاهش تولید هر یک از بخشها تابع عوامل متعددی است که هر یک بنا به اهمیت و تأثیری که بر تولید دارد باید مورد بررسی قرار بگیرد. در تحلیل حاضر نیز فرض شده که اگر سایر عوامل تولید ثابت فرض شوند، در ازای ایجاد فرصتهای شغلی جدید تولید چگونه تحت تأثیر قرار می‌گیرد. همان طور که مشاهده می‌شود ایجاد فرصت‌های شغلی جدید در اکثر بخشهای اقتصاد ایران نتوانسته‌اند تولید را افزایش دهند و اگر دستمزد پرداختی به شاغلین جدید به عنوان معیار کارایی شاغلین جدید در نظر گرفته شود در این صورت باز هم تصویر موجود نگران‌کننده است و شاغلین جدید نتوانسته‌اند به اندازه دستمزد خود به ارزش تولید بیفزایند. علیرغم وجود چنین تصویر نگران‌کننده‌ای در صنایع کارخانه‌ای تنها بخشی که بهره‌وری نهایی نیروی کار آن قابل توجه بوده، صنایع تولیدکننده محصولات چوبی است که بیشترین بهره‌وری نهایی را دارا بوده‌اند. لذا بهره‌وری نیروی کار به نحوی نبوده است که تقاضا برای نیروی کار را از جانب بنگاههای تولیدی و خدماتی افزایش دهد.

به هر حال، تحلیل فوق از این نظر حائز اهمیت است که نشان می‌دهد روند بهره‌وری و مولد بودن اشتغال در دوره

□ اگر جامعه مصرفی ایران را به دو قشر پر درآمد و کم درآمد تقسیم بندی نمائیم، خواهیم دید که قشر پر درآمد از نظر نوع الگوی مصرف و سرمایه گذاری اطمینان و استفاده به سازگرمندی داخلی اقتصاد و از نظر نوع فعالیت به فعالیتهای تولیدی ندارد.

چنانچه
عوامل تولید در
یک اقتصاد از بهره‌وری
پایینی برخوردار باشند، نه
تنها به فرایند تولید کمکی
نمی‌کنند بلکه هزینه‌های یک
واحد یا یک بخش تولیدی را
افزایش می‌دهند و مانعی در
جهت گسترش ظرفیتهای
تولیدی به شمار
می‌روند.

□ عوامل اداری و اجرایی، ضعف سیستم تولیدی، مشکلات برون و درونی، رویه‌های قانونی و اجرایی، و وجود رانت‌جویان اقتصادی فاقد خلاقیت، از عوامل مؤثر بر عملکرد ضعیف صنایع کشور هستند.

موردنظر چه مسیری را پیموده است و تعامل و تقابل بین بهره‌وری عوامل تولید و تولید چگونه بوده است. چنانچه عوامل تولید در یک اقتصاد از بهره‌وری پایینی برخوردار باشند، نه تنها به فرایند تولید کمکی نمی‌کنند بلکه هزینه‌های یک واحد یا یک بخش تولیدی را افزایش می‌دهند و مانعی در جهت گسترش ظرفیتهای تولیدی به شمار می‌روند. به عبارت دیگر اگر افزایش اشتغال با افزایش تولید همراه نباشد به معنای این است که هزینه هر واحد تولید افزایش و تولید غیراقتصادی‌تر شده است. عوامل اداری و اجرایی، ضعف سیستم تولیدی، مشکلات برون و درونی، رویه‌های قانونی و اجرایی، و وجود رانت‌جویان اقتصادی فاقد خلاقیت، از عوامل مؤثر بر عملکرد ضعیف صنایع کشور هستند. علاوه بر عوامل فوق، گسترده بودن حیطه دولت در امور اقتصادی، تشکیل سرمایه پایین که در برنامه اول توسعه از ۱۲/۸ درصد به ۱۶/۶ درصد در آستانه برنامه دوم افزایش یافت،* پایین بودن کیفیت سرمایه‌گذاری، محدود نمودن نظام اعتباری برای بخش خصوصی، محدودیت منابع ارزی و فشار تقاضای واردات مواد اولیه، وجود صنایع عمده

* سازمان برنامه و بودجه، گزارش عملکرد چهار سال اول برنامه، مرداد ۱۳۷۸.

سرمایه، بکارگیری ظرفیتهای تولیدی، عوامل اثرگذاری و بهره‌وری نیروی کار و سرمایه و مجموعه سیاستهای پولی، ارزی، مالی، ارزی و سیاستهای مربوط به دستمزد که هم طرف عرضه و هم تقاضا را متأثر می‌سازد، عوامل شکل‌دهنده تقاضای نیروی کار هستند. این بحث بصورت مداوم در اقتصاد ایران مطرح شده که در واقع کار و سرمایه عوامل کمیابی در اقتصاد ایران نیستند، آنچه کمیاب است سازماندهی عوامل تولید و قوانین و مقرراتی است که در قالب محدودیتهای فراوان شرایطی را ایجاد نموده‌اند که

انگیزه‌ها و بارورهای جامعه جهت افزایش تولید را تضعیف نموده‌اند و شاید این موضوع از عوامل مهمی است که در اقتصاد ایران کمتر به آن پرداخته می‌شود. بدین معنا که مدیریت به‌عنوان یکی از عوامل کارساز در تصمیم‌گیریهای اقتصادی و در صحنه اقتصادی ایران بطور جدی مورد توجه قرار نمی‌گیرد و لطمه‌ها و آسیب‌هایی که نظام اقتصادی کشور از این ناحیه محتمل می‌شود مورد غفلت واقع شده است.

در این راستا جمعیت کشور بر اساس پیش‌بینی دفتر کلان‌سازمان برنامه و بودجه در جدول (۴) درج شده است.



□ تصویر وضعیت موجود اشتغال و هدفهای کمی برنامه سوم توسعه

در این قسمت سیاستهای ایجاد اشتغال در برنامه سوم توسعه مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌گیرد. این ارزیابی از دو دیدگاه طرف عرضه و طرف تقاضا است. در طرف عرضه برخی سیاستها کوتاه‌مدت و برخی بلندمدت هستند. عوامل اثرگذار بر بخش عرضه، نرخ رشد جمعیت کشور و نرخ مشارکت نیروی کار قرار دارد که از عواملی همچون نرخ باروری، نرخ مرگ و میر و سطح فرهنگی خانوار تأثیر می‌پذیرد و سیاستهایی که در کوتاه مدت و بلند مدت بر این متغیرها اثر بگذارند نیروی بالقوه فعال جمعیت، تعداد و افراد آماده به کار را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

در بُعد تقاضا، کلیه عواملی که تولید و سرمایه‌گذاری را تحت الشعاع خود قرار دهد شامل قوانین و مقررات مربوط به تولید، اعمال قیمتهای نسبی عوامل کار و

دولتی (پیش از ۷۰ درصد ارزش افزوده صنایع از شرکتهای دولتی به دست می‌آید)، سیاستهای پولی و مالی نامناسب که هر یک نیاز به بحثهای تفصیلی و جزئی‌تری دارد همه از مواردی هستند که کارایی نظام صنعتی را تحت الشعاع قرار داده و بر بهره‌وری عوامل تولید اثرات سوء به جا می‌گذارند. به نحوی که در عملکرد برنامه اول و دوم می‌خوانیم "در زمینه افزایش بهره‌وری و تنظیم برنامه‌های تربیت نیروی انسانی، به دلیل ابهام در سیاستها و نامشخص بودن ابزارها (خط مشی‌ها و سیاستها) در مجموع گام اجرایی مؤثری برداشته نشده است." به علاوه باید در نظر داشت که فشار رشد جمعیت خواه ناخواه برای ایجاد فرصتهای شغلی، تصمیم‌گیران و سیاستگذاران را آنچنان تحت فشار قرار می‌دهد که مؤلّد بودن و بهره‌وری شاغلین اهمیت دست‌دومی داشته باشد.

جدول (۴) روند جمعیت کشور و برخی شاخصهای جمعیتی در دوره ۱۳۷۵-۸۵ (هزار نفر)

شرح	۱۳۷۵	۱۳۷۸	۱۳۸۳
جمعیت جوان (کمتر از ۱۵ سال)	۲۳۷۲۶	۲۲۰۳۷	۲۰۰۲۳
جمعیت بالغ و فعال (۱۵-۶۴)	۳۳۷۰۲	۳۷۹۳۳	۴۴۹۲۴
جمعیت سالخورده (۶۵ ساله و بیشتر)	۲۶۲۷	۲۸۴۷	۳۲۱۹
جمع	۶۰۰۵	۶۲۸۱۷	۶۸۱۶۶
نسبت وابستگی	۷۸/۶	۶۵/۶	۵۱/۷
نسبت شهرنشینی	۶۱/۳	۶۳/۲	۶۶/۲
نرخ رشد جمعیت (متوسط دوره)	-	۱/۴۳	۱/۶۵

مأخذ: سازمان برنامه و بودجه؛ مستندات برنامه سوم؛ جلسه سوم؛ روند گذشته، جاری و آینده‌نگری ۱۰ ساله جمعیت ایران.

تهران - ۱۳۷۷

ارقام فوق نشان‌دهنده افزایش جمعیت بالقوه فعال کشور از رقم ۳۷۹۳۳ هزار نفر به ۴۴۹۲۴ هزار نفر در پایان برنامه سوم توسعه است که در طی دوره برنامه سوم توسعه ۶۹۹۱ هزار نفر به جمعیت بالقوه فعال اضافه می‌شود. در سال ۱۳۷۸ عرضه نیروی کار در کشور ۱۷۹۲۶ هزار نفر و تقاضای نیروی کار ۱۵۰۵۲ هزار نفر، تعداد بیکاران ۳۸۷۴ هزار نفر و نرخ بیکاری ۱۶/۳ درصد بوده است. (۱) نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان ۱۵/۲ درصد و تعداد آنان ۲۸۶ هزار نفر در سال ۱۳۷۸ بوده است. جدول شماره (۵). عرضه و تقاضای نیروی کار در دوره ۱۳۴۵-۷۸ را نشان می‌دهد.

جدول (۵) عرضه و تقاضای بازار کار در کل کشور طی دوره ۱۳۴۵-۷۸

(هزار نفر)

سال	عرضه	تقاضا	بیکاران	نرخ بیکاری
۱۳۴۵	۷۸۴۱	۷۵۵۷	۲۸۴	۳/۶
۱۳۵۵	۹۷۹۶	۹۴۳۳	۲۵۳	۳/۶
۱۳۶۵	۱۴۸۷۵	۱۱۰۵۶	۱۸۱۹	۱۴/۱
۱۳۷۵	۱۶۰۲۷	۱۴۵۷۱	۱۴۵۶	۹/۱
سال	عرضه	تقاضا	بیکاران	نرخ بیکاری
۱۳۷۸	۷۹۲۶	۱۵۰۵۲	۲۸۷۴	۱۶/۰
بازار نیروی کار آموزش عالی کشور				
سال	عرضه	تقاضا	بیکاران	نرخ بیکاری
۱۳۴۵	۷۷	۷۴	۳	۳/۹
۱۳۵۵	۲۹۸	۳۶۸	۳۰	۱۰/۱
۱۳۶۵	۵۳۰	۴۹۷	۳۳	۶/۲
۱۳۷۵	۱۴۴۱	۱۴۰۲	۵۹	۴/۰
۱۳۷۸	۱۸۸۵	۱۵۹۹	۲۸۶	۱۵/۲

مأخذ: سازمان برنامه و بودجه، روند گذشته، جاری و آینده بازار کار ایران، مستندات، برنامه سوم توسعه، جلد ششم، ۱۳۷۸.

همانطور که ارقام نرخ بیکاری و نرخ بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی نشان می‌دهد بیکاری به شدت در حال افزایش است.

برای جذب نیروی کار فعال با توجه به اینکه عرضه نیروی کار ۱۵۰۵۲ هزار نفر در بهال ۱۳۷۸ به ۱۸۸۷۸ هزار نفر در سال ۱۳۸۳ افزایش خواهد یافت، تعداد فعالین تازه وارد به بازار کار ۳۸۲۶ هزار نفر خواهد بود و سالانه اقتصاد کشور باید ۷۶۵ هزار نفر فرصت شغلی ایجاد کند تا وضعیت موجود ثابت باقی بماند. به عبارت دیگر نرخ رشد سالانه اشتغال در برنامه سوم ۴/۶ درصد و نرخ رشد بهره‌وری نیروی کار ۱/۴ درصد و نرخ رشد موجودی سرمایه ۵/۷ درصد و افزایش بهره‌وری سرمایه ۰/۳ درصد در سال است.

نرخ رشد ارزش افزوده به عنوان

شاخصی که اشتغال را افزایش می‌دهد و جذب نیروی کار در گرو آن است در بخش کشاورزی ۵/۱ درصد، نفت و گاز ۱ درصد، صنعت و معدن ۸ درصد، آب و برق ۹/۴ درصد، ارتباطات ۱۰/۶ درصد و سایر خدمات ۶/۲ درصد است. نرخ استهلاک سرمایه‌ها ثابت، افزایش دستمزد واقعی در بخشها سالانه یک درصد و نسبت سرمایه‌گذاری به تولید در بخشهای هشتگانه ذکر شده همانند روال قبلی در نظر گرفته شده است.

در بخش صنعت که کانون اصلی مطالعه حاضر را تشکیل می‌دهد تعداد شاغلین از ۲۸۵۲ هزار نفر در سال ۱۳۷۸ به ۳۶۲۴ هزار نفر در سال ۱۳۸۳ افزایش می‌یابد. در طول برنامه ۷۷۴ هزار فرصت شغلی و سالانه ۱۵۴/۸ هزار فرصت شغلی باید ایجاد شود و بهره‌وری نیروی کار ۳/۱ درصد در سال افزایش خواهد

یافت. بعد از صنعت حمل و نقل که بهره‌وری نیروی کار سالانه ۵/۱ درصد لحاظ شده است بخش صنعت از نظر افزایش بهره‌وری در مرتبه دوم قرار دارد.

تعداد شاغلین دارای آموزش عالی بخش صنعت از ۱۸۳ هزار نفر در سال ۱۳۷۸ به ۲۳۰ هزار نفر در سال ۱۳۸۳ افزایش خواهد یافت و این به معنای ایجاد ۴۷ هزار فرصت شغلی جدید برای نیروهای متخصصین آموزش عالی است. جدول شماره (۶) پیش‌بینی اشتغال در بخشهای اقتصادی و پیش‌بینی نیروی کار آموزش عالی را نشان می‌دهد. نرخ رشد تولید ناخالص ملی به طور متوسط سالانه ۶ درصد در نظر گرفته شده است و ایجاد اشتغال و فرصتهای شغلی پیش‌بینی شده تا حدود زیادی در گرو تحقق نرخ رشد تولید در بخشهای مختلف اقتصادی است.

جدول (۶) پیش‌بینی اشتغال و تقاضای نیروی کار دارای آموزش عالی (هزار نفر)

بخش	۱۳۷۸		۱۳۸۳		نرخ رشد اشتغال	نرخ رشد ارزش افزوده
	کل اشتغال	اشتغال آموزش عالی	کل اشتغال	اشتغال آموزش عالی		
کشاورزی	۳۵۱۵	۲۷	۲۴	۲۴	۵/۱	۵/۱
نفت و گاز	۱۳۴	*۱۸۳	۱۳۴	۲۳۰	۰	۱
صنعت و معدن	۲۸۵۲		۳۶۲۴		۴/۹	۸
آب و برق	۱۲۸		۱۶۴		۵/۱	۹/۴
ساختمان	۱۴۰۰		۲۰۸۹		۸/۳	۹/۶
حمل و نقل	۸۹۶	۱۱۸۳	۱۱۲۷	۱۸۶۶	۴/۷	۹/۸
ارتباطات	۸۳		۸۶		۰/۷	۱۰/۶
سایر خدمات	۶۰۴۴	۲۰۶	۷۶۳۶	۳۰۳	۴/۸	۶/۲
جمع	۱۵۰۵۲	۱۵۹۹	۱۸۸۷۸	۲۴۷۳	۴/۶	۶

ساختمان سازمان برنامه و بودجه، روند گذشته، جاری و آینده بازار کار ایران، تهران، ۱۳۷۸.

* اشتغال آموزش عالی در چهار بخش کشاورزی، صنعت، خدمات عمومی و اجتماعی و سایر خدمات بیان شده است.

عمدتاً به دنبال آن قبیل روشهای تولید باشند که از سرمایه بیشتری در مقایسه با نیروی کار استفاده می‌شود.

عواملی همچون نرخ پس انداز که در بلند مدت تشکیل و انباشت سرمایه و گسترش ظرفیتهای تولیدی را موجب می‌شود نیز در سالهای اخیر در قیاس با کشورهای هم‌تراز ایران نسبتاً پایین بوده است. این موضوع تا حدودی به الگوی مصرف جامعه نیز بستگی دارد. اگر جامعه مصرفی ایران را به دو قشر پر درآمد و کم درآمد تقسیم بندی نماییم خواهیم دید که قشر پر درآمد از نظر نوع الگوی مصرف و سرمایه گذاری اطمینان و اعتقادی به کارکردهای داخلی اقتصاد و از نظر نوع فعالیت به فعالیتهای تولیدی ندارد. این گروهها سرمایه‌گذار ریسک‌پسند و بخشهایی انجام می‌دهند که با ریسک کم، بازده قابل توجهی نصیب آنان شود.

❑ **محرکیت به‌عنوان یکی از عوامل کارساز در تصمیم‌گیریهای اقتصادی و در صنعت اقتصادی ایران به‌طور جدی مورد توجه قرار نمی‌گیرد. لطمه‌ها و آسیب‌هایی که نظام اقتصادی کشور از این ناحیه محتمل می‌شود مورد غفلت واقع شده است.**

* سازمان برنامه و بودجه، سند برنامه سوم توسعه، پیوست شماره ۲ لایحه برنامه، تهران ۱۳۷۸.

تجربه عملی در اقتصاد ایران بخصوص در دو دهه اخیر نشان می‌دهد که توسعه تولید و سرمایه‌گذاری در درون اقتصاد ایران به شرایط درونی و پویایی دسته نیافته است.

اشتغال نشان می‌دهد که در دو دهه اخیر بهره‌وری عوامل تولید به خصوص نیروی کار کاهش یافته است. این کاهش در بخش صنعت نیز در شماره پیشین مورد توجه قرار گرفت. معنای این آمار آن است که اشتغال ایجاد شده در نظام اقتصادی کشور نتوانسته است به رشد تولید کمک کند و استخدام افراد جدید به معنای تحمیل هزینه بر اقتصاد بوده. این همان مفهوم بیکاری پنهان و کم‌کاری را در ذهن تداعی می‌کند. گسترش اشتغال در بخشهای دولتی (۴۵ درصد) و توجه به این موضوع که عمده اشتغال ایجاد شده در بخش شهری اقتصاد بوده است انعکاس این واقعیت است که ساختار تولید بخصوص در بخش خصوصی و غیردولتی اقتصاد پایین بوده است. این مسئله متأثر از ضعف رویه‌های قانونی و حقوقی مربوط به مبانی تولید، نبود امنیت سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران و وابسته بودن اقتصاد ایران به درآمدهای حاصل از صدور نفت است. به علاوه، غیرواقعی بودن قیمت عوامل تولید (کار و سرمایه) باعث شده تا واحدهای تولیدی در انتخاب تکنیک تولید دقت کافی را نداشته باشند و

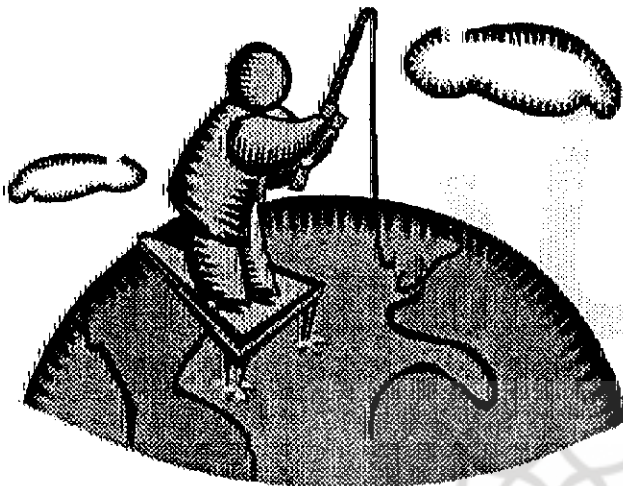
□ ارزیابی و احتمال دستیابی به اهداف

میزان دستیابی به اهداف برنامه سوم توسعه را می‌توان تا حدودی بر مبنای گذشته اقتصاد ایران تصویر نمود. تقریباً در تمامی ۵۰ سال عمر نظام برنامه‌ریزی ایران هدفهایی نظیر افزایش تولید، سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال به عنوان محورهای اساسی برنامه در دستور کار سیاستگذاران و برنامه‌ریزان اقتصادی

باید

در نظر داشته‌اند که فشار رشد جمعیت خواهد ناخواه برای ایجاد فرصتهای شغلی، تصمیم‌گیران و سیاستگذاران را تشویق کند فشار قرار می‌دهد که مولد بودن و بهره‌وری شغلی را اهمیت دسته دوم داشته باشد.

قرار داشته است. اما تجربه عملی در اقتصاد ایران بخصوص در دو دهه اخیر نشان می‌دهد که تولید و سرمایه‌گذاری در درون اقتصاد ایران به شرایط درونزا و پویایی دست نیافته است. در ۲۰ سال اخیر نرخ رشد اشتغال کشور ۲/۵ درصد و تعداد مشاغل ایجاد شده سالانه ۲۸۹ هزار نفر و در مجموع ۵۷۷۵ هزار نفر و نرخ رشد تولید ناخالص ملی ۱/۲ درصد بوده است.* مقایسه نرخ رشد تولید و



در اقتصاد ایران بخشهای واسطه‌ای و خدماتی چنین ویژگیهای را دارا هستند. نتیجه اینکه در بلندمدت تولید کالاها و خدمات افزایش نمی‌یابد و جامعه فقیر باقی می‌ماند و جامعه فقیر قادر نیست برای احاد مردمش شغل و درآمد به اندازه کافی ایجاد کند. این مسئله نه فقط از بُعد اقتصادی بلکه ابعاد شخصیتی و هویتی یک جامعه را خدشه‌دار و متاثر می‌سازد.

مغز واقعی

بودن قیمت

مبلمان تولید (کار و

سرمایه) باعث شده تا

واحدهای تولیدی در انتخاب

تکنیک تولید دقت کافی را

نداشته باشند و عمدتاً به دنبال

آن قبیل روشهای تولید باشند

که از سرمایه بیشتری در

مقایسه با نیروی کار

استفاده می‌شود.

برخی نهادهای شبه انحصاری و استفاده از رانتهایی که در نتیجه زد و بند یا بخش دولتی به دست می‌آید شرایطی را به وجود آورده است که بخش خصوصی در اقتصاد ایران بیشتر به دنبال رانت‌جویی است تا افزایش درآمد و سود از طریق تولید. نتیجه چنین باور و نگرشی عقب‌ماندگی این بخش در اقتصاد ایران است.

ناگفته نماند که در طول برنامه دوم علیرغم سرمایه‌گذاری‌های کلان صورت گرفته بسیاری از طرحهای سرمایه‌گذاری به صورت نیمه تمام بلا تکلیف مانده است و در نتیجه بخش عمده‌ای از منابع کیمیا ب اقتصادی عاطل و راکد باقیمانده است.^{۱*}

*. امینی علیرضا، بررسی روند تغییرات بهره‌وری در اقتصاد ایران طی سالهای (۱۳۵۷-۷۵)، سازمان برنامه و بودجه، دفتر اقتصاد کلان، تهران، ۱۳۷۶.

قیمت نفت و پایین آمدن درآمدهای حاصل از صدور نفت، این توهم وجود داشت که صنعت ایران به یک صنعت درونزا و پویا تبدیل شده است اما این توهومات با سقوط قیمت نفت بیشتر آشکار شد و بسیاری از برنامه‌ریزان و سیاستگذاران به درک این واقعیت نائل آمدند که نظام صنعتی ایران علی‌الاصول یک نظام صنعتی وابسته است که قادر نیست در عرصه‌های جهانی به رقابت برخیزد. معنای این سخن آن نیست که به صورت بالقوه بخش صنعت ایران فاقد چنین ویژگیهایی است بلکه منظور آن است که محدودیتهای تحمیل شده بر نظام صنعتی ایران از نظر قوانین و رویه‌های اجرایی، نظام سازمانی و شرایط محیطی و محلی به وضعیتی رسیده است که امکان رشد خلاقیتها و نوآوریها از این بخش بسیار مهم سلب شده است. وجود

در نظام صنعتی ایران نیز متغیرهایی نظیر تولید و سرمایه‌گذاری با نوساناتی همراه بوده است. در برنامه اول توسعه با به کارگیری ظرفیتهای راکد و مناسب بودن درآمدهای نفتی نرخ رشد بخش صنعت قابل توجه بود. اما در سالهای پایانی برنامه دوم توسعه همگام با سقوط قیمت نفت، بخش صنعت ایران نیز وارد مرحله‌ای رکودی شد. تا قبل از کاهش

در عمل انتظاراتی که از نظر بازدهی چنین طرحهایی تصور می‌شد در تحقق نرخ رشد تولید و ظرفیت‌سازی تولیدی ناچیز و اندک بوده است.

مجموعه این عوامل و حمایت‌هایی که دولت از بسیاری از صنایع به عمل آورده است در بسیاری حوزه‌ها نوعی عدم کارایی را در ساختار مدیریتی و تولیدی واحدها ایجاد نموده و موجب شده تا تکامل ساختار نظام صنعتی ایران به سمت برخی انحصارات گرایش پیدا کند و قدرت بازاری و توأم با رقابت را در درون نظام صنعتی ایران ایجاد نماید.

از آنجا که بیکاری عمدتاً دامنگیر نسل جوان می‌شود و نسل جوان هر کشور سرمایه اصلی آن را تشکیل می‌دهد ادامه روند موجود اقتصاد ایران نگران‌کننده است. زیرا در اقتصاد ایران ساز و کارهای مربوط به تولید و سرمایه‌گذاری در اکثر حوزه‌ها لاینحل باقیمانده است.

به دلیل چنین وضعیتی در برنامه سوم توسعه سیاست‌های مربوط به تغییر ساختار و نهادهای مربوط به بازار کار به صورت زیر ترسیم شده است:

تداوم سیاست‌های کنترل جمعیت و عرضه نیروی کار، گسترش نظام تأمین اجتماعی، توسعه مشارکت بخش خصوصی در فعالیتهای اقتصادی در بازنگاری قوانین نیرو کار، ارتقاء آموزشهای لازم متناسب با نیازهای بازار

کار، افزایش بهره‌وری نیروی کار، انجام تمهیدات لازم برای توسعه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و جذب سرمایه‌های خارجی و اولویت قائل شدن برای تکنیک‌های کاربر تولید خطوط اصلی سیاست‌های بازار کار را تشکیل می‌دهند. این سیاست‌ها، سیاست‌های مناسبی هستند اما تجربه نشان داده که در اقتصاد ایران بین اهداف برنامه و درجه تحقق برنامه‌ها تفاوت‌های فاحشی وجود دارد.

اهداف اشتغال بخش صنعت در برنامه سوم توسعه

در برنامه سوم توسعه می‌بایستی اشتغال بخش صنعت از ۲۸۵۲ هزار نفر به ۳۶۲۴ هزار نفر افزایش یابد. در مجموع ۵ سال ۷۷۲ هزار شغل و سالانه ۱۵۴ هزار شغل در صنعت کارخانه‌ای ایران بایستی ایجاد شود. نرخ رشد تولید و سرمایه‌گذاری برای تحقق این اشتغال با لحاظ سناریوی اصلاح روند ۷/۵ درصد و نرخ رشد سرمایه‌گذاری ثابت ناخالص ۲۲/۵ درصد خواهد بود. در این حالت اشتغال جدید صنعتی دارای نرخ رشدی معادل ۳۳/۶ درصد است. در سناریوی نرخ رشد پایین فرض شده است که روند نزولی سرمایه‌گذاری تداوم خواهد یافت و در پایان برنامه متوسط نرخ رشد ارزش افزوده بخش صنعت از درصد، نرخ رشد سرمایه‌گذاری ثابت ناخالص ۱۰ درصد

خواهد بود. * این ارقام تصویرهای بسیار نگران‌کننده‌ای را ارائه می‌دهند و بازگو کننده این واقعیتند که اگر دولت سیاست‌های خود را به صورت جدی و با تأمل به تحقق نرساند بحران بیکاری بسیار دامنگیر و شایع خواهد شد.

این در حالی است که براساس برآوردهای برنامه‌های برای ایجاد هر شغل در سال ۱۳۷۵ به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱، ۱۷۰ میلیون ریال اعتبار مورد نیاز است و برای جذب اشتغال نیروی کاری معادل ۱۵۴ هزار نفر سالانه ۲۶۱۸۰ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱ اعتبار مورد نیاز است. اندکی تأمل نشان خواهد داد که ایجاد شغل به سرمایه‌گذاریهای کلانی نیاز دارد و برای دستیابی به رشد ارزش افزوده بخش صنعت (۷/۵) می‌بایست ۱/۴ برابر کل سرمایه‌گذاری انجام شده در ده ساله ۱۳۶۷-۱۳۶۱ به قیمت ثابت ۱۳۶۱ طی ۵ ساله برنامه سوم سرمایه‌گذاری انجام شود.

انجام این سرمایه‌گذاریهای ناممکن نیست و دسترسی به آن نیازمند الزامات و پیش شرط‌هایی در اقتصاد ایران است که در عمل کمتر به آن پرداخته می‌شود.

*. سازمان برنامه و بودجه، پیوست شماره ۲